

چگونه توانستیم عدم مشارکت یکی از دانش آموزان کلاس اول را بهبود ببخشیم؟

علیرضا سخایی

دانشجو کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان [alireza328500@gmail.com](mailto:alireza328500@gmail.com)

09183653285

#### چکیده:

عدم مشارکت دانش آموزان در مباحث درسی و در کلاس و همچنین در زنگ های تفریح یکی از موضوعات مهم در مدارس به خصوص در مدارس ابتدایی است چرا که اگر این مسئله در سال های اولیه تحصیل برطرف نشود، دانش آموز هر چه به پایه های بالاتر می رود این مشکل بیشتر و بیشتر شده و حل کردن آن سخت تر خواهد بود. عواملی مثل: بی توجهی معلم به دانش آموز و بی توجهی خانواده به دانش آموز می توانند باعث این مشکل شوند. پژوهش حاضر با هدف کمک به مشارکت یکی از دانش آموزان پایه اول مدرسه بوعلی انجام شد. پژوهشگر پس از جمع آوری اطلاعات با روش های مشاهده و مصاحبه، ضمن مطالعه سایت های روانشناسی پنج راه حل را برای این موضوع در نظر گرفت که شامل: داستان پردازی در تدریس، تشکیل گروه های یادگیری، برعکس کردن نقش ها، ارائه نقشه راه برای دانش آموز و بازخورد سریع به تکالیف و سوالات بود. سپس چهار تا از این راه حل ها در کلاس به اجرا درآمد که عبارت اند از: داستان پردازی در تدریس، تشکیل گروه های یادگیری، برعکس کردن نقش ها و بازخورد سریع به تکالیف و سوالات. زمانی که از این روش ها استفاده شد و رفتار دانش آموز را مشاهده کردم، متوجه شدم که مشارکت او هم در مباحث درسی و هم در زنگ های تفریح بهبود یافته است.

#### واژگان کلیدی:

دانش آموز، داستان پردازی، تشکیل گروه های یادگیری، برعکس کردن نقش ها، بازخورد سریع به تکالیف

#### ۱- مقدمه:

امروزه آموزش و پرورش سازمانی است که خطیرترین نقش را در جامعه ایفا می نماید. از طرفی هنجارها و ایده آل های جامعه را به نسل جدید انتقال می دهد، و از طرفی دیگر در تلاش است تا متناسب با زمان و همگام با پیشرفت تکنولوژیکی به آموزش و پرورش افراد جامعه و حل مسائل اقدام نماید. در این فرایند، تمام نهادهای جامعه نقش دارند، ولی نقش اساسی را آموزش و پرورش برعهده دارد. (محمودی، فتحی آذر، اسفندیاری، ۸۸)

مسئله اصلی ما در این پژوهش عدم مشارکت یکی از دانش آموزان کلاس اول در کلاس درس و در زنگ های تفریح با همکلاسی هایش است. من در هفته های اول (سه یا چهار هفته اول) که به این مدرسه می رفتم متوجه شدم که این دانش آموز نه در مباحث درسی شرکت می کند و وقتی که معلم او را صدا می زند که به پای تخته بیاید او توجهی به معلم نمی کند و پای تخته نمی آید و وقتی هم روی میز نشسته است و معلم او را صدا می کند او کاری نمی کند و فقط لبخند می زند. همچنین زمانی که در زنگ های تفریح به حیاط مدرسه می رفتم می دیدم که دانش آموز اصلا با کسی بازی نمی کند و به هیچ کس توجه نمی کند و هر کس سمت او می رفت او هیچ واکنشی نشان نمیداد و بی تفاوت از کنار همکلاسی هایش می گذشت. اما موضوعی که باعث شد من به حل مشکل این دانش آموز بپردازم این بود که او رفتار خوبی با مدیر مدرسه داشت و با او صحبت می کرد و ارتباط خوبی بین این دو نفر برقرار بود. با دیدن این ارتباط متوجه شدم که باید ابتدا خودم را به این دانش آموز نزدیک کنم بعد از سه چهار هفته اول که فقط او را از دور نگاه می کردم و رفتار او را زیر نظر داشتم به او نزدیک شدم و دو هفته فقط ارتباط ما در همین حد بود که حال و احوالش را می پرسیدم و او هم در همین اندازه جواب

من را می داد. در هفته های آخر که در مدرسه بودم خیلی باهم صمیمی شده بودیم و من راحت از او سوال می پرسیدم که آیا دوست دارد مثل بقیه بچه ها به پای تخته برود و درس جواب بدهد و تشویق شود؟ او در جواب به من میگفت: بله من هم دوست دارم پای تخته بروم و درس جواب بدهم. این بله که دانش آموز به من گفت من را مصمم کرد که هر چه در توان دارم به او کمک کنم. برای کمک به او به سایت های روانشناسی سر زدم تا ببینم چه روش هایی وجود دارد که مشکل عدم مشارکت را حل کنم که راه حل های متعددی وجود داشت و من چندتا از این راه حل ها را انتخاب کردم و در سه یا چهار هفته این روش ها را روی دانش آموز پیاده کردم و خداراشاکرم که نتیجه گرفتم و می دیدم که دانش آموز خودش با ذوق و شوق به پای تخته می رود و هر سوالی که معلم می پرسد نه به طور کامل اما تا حد قابل قبول و مورد رضایت پاسخ می دهد و خودش هم از این که می توانست پاسخ بدهد و مورد تشویق همکلاسی ها و معلم قرار می گرفت خوشحال می شد. در زنگ های تفریح هم توانسته بود برای خود دوست پیدا کند و با آن ها بازی کند.

## ۲- توصیف وضع موجود:

اینجانب علیرضا سخایی دانشجو معلم رشته آموزش ابتدایی به عنوان کارورز در مدرسه بوعلی واقع در شهرستان خمین مشغول به فعالیت هستم. این مدرسه واقع در خیابان شریعتی بعد از پارک شهید بهشتی در کوچه شهید غلامرضا ناطقی در وسط کوچه و در قسمت شمالی کوچه واقع شده است. این مدرسه دارای یک در ورودی و خروجی است. داخل حیاط مدرسه علاوه بر ساختمان مدرسه در سمت چپ آن یک مرکز پیش دبستانی هم وجود دارد. ساختمان مدرسه دو طبقه و نمای آجری دارد. وارد ساختمان مدرسه شدم که در سمت راست آن آبدارخانه قرار داشت. مدرسه دارای آزمایشگاه هم بود. آزمایشگاه و دفتر مدیر و معاونین (که باهم مشترک بودند) در سمت راست قرار داشتند. همانطور که گفتم ساختمان مدرسه دو طبقه داشت که در طبقه اول ۶ کلاس وجود داشت که مخصوص پایه های اول تا سوم و طبقه دوم نیز ۶ کلاس داشت مخصوص پایه های چهارم تا ششم. از آنجا که من پایه اول را انتخاب کرده بودم در همان طبقه اول به سمت کلاس اول الف رفتم و در زدم و وارد کلاس شدم. وقتی وارد کلاس شدم خانم رضانی راس ساعت ۸ درس را شروع کردند. ساعت ۸:۱۰ دقیقه شد که یکی از دانش آموزان (که موضوع مورد بحث ما است) بدون آنکه در بزند در را باز کرد و وارد کلاس شد. دانش آموزی بود با این خصوصیات: دارای پوست سفید، تپل، نسبت به بقیه بچه های کلاس قد بلندتر و موهای قهوه ای داشت. وقتی وارد شد به هیچکس سلام نکرد و خانم رضانی خطاب به او گفت: سلام! پس سلام تو کجا رفت؟ اما او فقط لبخندی زد و نشست. کلا در سه، چهار جلسه ای که به مدرسه رفتم این دانش آموز به همین شکل رفتار می کرد. خانم رضانی درس فارسی را دادند و از دانش آموزان خواستند فعالیت کتاب را انجام دهند و من هم به ایشان در بررسی فعالیت دانش آموزان کمک کردم. من همان اول که آن دانش آموز را دیدم خیلی از او خوشم آمد و رفتم تا ببینم که تکلیفش را چگونه انجام می دهد اما به من اخمی کرد و دستش را روی کتابش گذاشت و نگذاشت من کتاب او را ببینم. این موضوع را به خانم رضانی گفتم و ایشان گفتند اخلاقش همینطور است کاری به کار او نداشته باشید من خودم رسیدگی میکنم اما همین اتفاق برای خانم رضانی هم افتاد من خیلی سعی کردم با او ارتباط برقرار کنم اما فایده ای نداشت. به طور مثال زنگ بعد ریاضی داشتند و مشغول آموزش عدد ۷ بودند خانم رضانی ابتدا با مثال های عینی آن را آموزش دادند و سپس بر روی تخته سیاه کلاس بزرگ نوشتند ۷. از دانش آموزان خواست که فعالیت پایین صفحه که عدد ۷ بود را تکمیل کنند همه بچه ها مشغول نوشتن شدند بجز آن دانش آموز. من با خود گفتم شاید ساعت اول بوده و به زور وارد کلاس شدند و برای بررسی ریاضی مجدد به سمت او رفتم اما بازهم همان رفتار از او دیده شد. تا سه، چهار جلسه اول برنامه همین بود. اما جلسه پنجم کمی با او توانستم ارتباط برقرار کنم به این شکل که من در صندلی آخر کلاس مینشستم و آن دانش آموز در صندلی دوم. وقتی که به درس گوش نمیداد و به عقب برمیگشت با خنده به او می گفتم برگرد و گوش بده و او هم با خنده سرش را تکان میداد و تایید میکرد و به درس گوش می داد. کم کم به این شکل توجه او به درس بیشتر شد. زمانی که بچه ها به پای تخته می رفتند و کاری را درست انجام میدادند همه برای او دست می زدند اما آن دانش آموز یا به پای تخته نمی رفت و وقتی هم می رفت کاری انجام نمی داد. در جلسه هفتم، هشتم کم کم دیگر توانستم با او صحبت کنم. به او می گفتم دوس داری توام وقتی به پای تخته می روی بچه ها تشویق کنند؟ او هم با همان لبخند میگفت: آره. گفتم پس از این به بعد خوب به حرف ها ی معلم گوش بده که وقتی به پای تخته رفتی تکلیف را درست انجام بدهی و ما همگی تو را تشویق کنیم. خداراشاکرم که در جلسه نهم، دهم تغییرات خوبی در او مشاهده کردم به طوری که وقتی اسمش را صدا میزدند پای تخته می رفت شاید نمی توانست همه را درست انجام بدهد اما بخشی از کار را خودش و بخش دیگر را با کمک معلم انجام میداد. با گذر زمان و هر چه به سال های پایانی و ایام امتحانات نزدیک می شدیم وضع او بهتر و بهتر می شد.

## ۳- پیشینه تحقیق:

### پیشینه خارجی:

جارویس، هالورسون، سادک و جانسون (۲۰۱۴) اذعان نمودند که آموزش معکوس می تواند یک ابزار مهم برای یادگیری عمیق تر دانش آموز باشد که مشارکت و همکاری آنان را در محیط یادگیری با معلم ارتقا میدهد. گوگن (۲۰۱۴) به دنبال این بود که آیا تغییر شیوه کلاس باعث افزایش مشارکت دانش آموزان در

کلاس درس و پیشرفت آنان می شود. بوی با یک پژوهش کیفی که در درس تاریخ انجام داد، به این نتیجه رسید که تماشای ویدئوهای درسی قبل از کلاس و بحث و تبادل نظر در طول کلاس درس، مشارکت فعال دانش آموزان را به همراه دارد و باعث رضایت مندی دانش آموزان از کلاس درس و در نتیجه پیشرفت آنان می شود. ریو (۲۰۱۳) چهار نوع مشارکت شامل مشارکت رفتاری، عاطفی، شناختی و عاملی را ارائه می کند. مشارکت رفتاری به چگونگی تلاش دانش آموز برای مشارکت در فعالیت های یادگیری برمی گردد که از طریق توجه، تلاش و پشتکار حاصل می شود. مشارکت عاطفی به وجود احساس مثبت دانش آموز در طول مشارکت در فعالیت اشاره دارد، مثل علاقه و نداشتن حس منفی و اضطراب. مشارکت شناختی به شیوه تلاش دانش آموز به یادگیری از طریق استفاده از راهبردهای عمیق و سطوح بالای یادگیری به جای راهکارهای سطحی مثل تفکر و تعمق به جای حفظ کردن اشاره دارد. مشارکت عاملی چهارمین و جدیدترین نوع مشارکت است که به میزان سهم سازندگی دانش آموز در جریان آموزش و یادگیری اشاره دارد و از طریق پرسیدن سوالات، بیان اولویت ها و آگاه کردن معلم نسبت به نیازهای خود حاصل می شود. ریو (۲۰۱۳) می گوید مشارکت به معنای میزان فعالیتی است که دانش آموز را در یک طیف از عدم شناخت، عدم درک و فهم و نداشتن مهارت درباره موضوعات مختلف درسی به درک و فهم، مهارت و دستاوردهای آموزشی می رساند. کریستنسون، رثلی، ووی لی (۲۰۱۲) می گویند با استفاده از نظریه خودمختاری، ما معتقدیم کلاس معکوس اگر حس شایستگی، استقلال و ارتباط در دانش آموز ایجاد کند، می تواند انگیزش و مشارکت دانش آموز را ارتقا بخشد. یکی از موضوعات بسیار مهمی که در کلاس درس معکوس به آن توجه می شود، افزایش مشارکت دانش آموزان است. مشارکت به تعامل فعال دانش آموز در فعالیت های یادگیری برمی گردد. هجویک (۲۰۰۳) نیز می گوید اگر دانش آموز و معلم در مورد مسائل بحث کنند، دانش آموزان عمل تفکر در مورد ایده ها، ساختن ایده ها و تصریح نمودن ایده ها را یاد می گیرند و علاوه بر آن یادگیری در موقعی رخ می دهد که دانش آموزان فعالانه به آموزش به وسیله دستکاری، عمل کردن، تمرین و یا به صورت پردازش اطلاعات پاسخ دهند. ایروین (۱۹۸۵) معتقد است معلمان کمتر با دانش آموزان کلاس ارتباط برقرار می کنند و اگر هم در کلاسی ارتباط کلامی معلم با دانش آموزان بیشتر باشد به ارتباط معلم با تعداد محدودی از دانش آموزان که در ردیف های جلویی نشسته اند، یا از لحاظ طبقه اجتماعی بالا بوده و یا نمرات بالاتری دارند مربوط می شوند. کالاهان و کلارک (۱۳۷۵) معتقدند با اطمینان باید گفت کلاسی وضعیت مطلوب را داراست که در آن دانش آموزان نیمی از وقت را در فعالیت های کلاسی شرکت کنند. مالکوا (۱۳۷۱) هم معتقد است که کارایی آموزش مدرسه تا حدود زیادی به گسترش ارتباطات بین معلم و دانش آموزان بستگی دارد. ارتباط هایی که موجب می شوند دانش آموزان هر چه بیشتر در فرآیند تدریس مشارکت کنند.

#### پیشینه داخلی:

احمدنیا (۱۳۸۰) می گوید تدریس فعال باعث همکاری بیشتر دانش آموزان با همدیگر و کاهش مشکلات مدیریتی در کلاس می شود.

#### ۴- شواهد (۱):

۱. مشاهده رفتار دانش آموز: این دانش آموز رفتارهایی از خود نشان می داد که من در هیچ یک از دانش آموزان کلاس اول مشاهده نکردم مثال بدون آن که در بزند وارد کلاس می شد یا اینکه دیرتر از بقیه به کلاس می آمد. یکی دیگر از این رفتارها ارتباط برقرار نکردن با بچه های کلاس و معلم بود به طوری که وقتی به سر کلاس می آمد نه به معلم سلام می کرد و نه به همکلاسی هایش. رفتار دیگری که از این دانش آموز دیده می شد این بود که در انجام تکالیف پا تخته همکاری نمی کرد به این شکل که وقتی معلم اسمش را صدا میزد که به پای تخته برود اصلاً توجه نمی کرد و یا با لبخند سرش را تکان می داد و میگفت نمی آیم. در انجام تمرین های کتاب هم بی میل بود و زمانی که بقیه بچه ها مشغول حل تمرین ها و فعالیت های کتاب بودند او اصلاً کتاب خود را باز نمی کرد و یا وقتی هم کتاب را باز می کرد اجازه نمی داد من و یا خانم رضانی کار او را ببینیم و یا بررسی کنیم. در زنگ های تفریح هم با هیچکس ارتباط برقرار نمی توانست بکند به این دلیل که با هیچکس در کلاس حرف نمی زد و یا دوست داشت حواس بقیه را پرت کند. تنها کسی که با او توانسته بود ارتباط بگیرد مدیر مدرسه بود.

۲. مصاحبه با معلم: درباره این دانش آموز با معلم کلاس صحبت کردم و از ایشان پرسیدم که علت رفتارهای این دانش آموز چیست؟ چرا اینطور رفتار می کند؟ ایشان به من گفتند از اول سال همین بوده است تکالیفش را یا ارسال نمی کند و یا وقتی هم ارسال می کند ناقص انجام می دهد. من به ایشان گفتم خوب به او بیشتر توجه کنید و وقت بیشتری برای او بزارید گناه دارد ایشان گفتند هیچ فایده ای ندارد اما زمانی که من سر کلاس بودم و به او کمک میکردم ایشان هم بیشتر به او توجه می کردند و کارهایش را بررسی می کردند.

۳. مشاهده رفتار مدیر مدرسه: مدیر مدرسه آقای مهرابی تنها شخصی بود که توانسته بود با این دانش آموز ارتباط برقرار کند که بعد ها متوجه شدم دلیل این ارتباط و صمیمیت بخاطر آشنایی مدیر با دانش آموز بوده است.

#### ۵- تجزیه تحلیل اطلاعات (یافتن راه حل) :

۱. داستان پردازی در تدریس
۲. تشکیل گروه های یادگیری
۳. برعکس کردن نقش ها
۴. ارائه نقشه راه برای دانش آموز
۵. بازخورد سریع به تکالیف و سوالات

#### ۶- انتخاب راه حل و اعتبار بخشی :

۱. روش داستان پردازی در تدریس : در دو سه جلسه ای که معلم در تدریس خود از داستان استفاده می کرد مشارکت آن دانش آموز در بحث های درسی بهتر بود و گاهی اوقات که من به او دقت می کردم می دیدم که جلو جلو داستان را با توجه به تصور خود می گوید.
۲. تشکیل گروه های یادگیری : بهترین و موثرترین روش برای آن دانش آموز همین شرکت در گروه هاست. زمانی که رفتار او را در زنگ های تفریح زیر نظر می گیرم، می بینم که با دوستانش گروه تشکیل داده اند و مشغول بازی و صحبت با یکدیگر هستند. حتی زمانی که از همکلاسی هایش سوال می کنم که آیا او در گروه اظهار نظر می کند و حرف می زند؟ دوستانش به من می گویند: بله آقا معلم به بعضی از سوالات که از او پرسیده می شود به خوبی جواب می دهد. و همچنین همکلاسی هایش می گفتند: در بازی های گروهی مثل فوتبال که انجام می دهیم او حرف می زند و هم گروهی هایش را راهنمایی می کند.

#### ۷- اجرای راه حل و نظارت :

۱. روش داستان پردازی در تدریس : داستان ها با ایجاد پیوند و احساس هم ذات پنداری، معانی عمیقی را انتقال می دهند. بهره گیری از داستان ها و هدایت فعالیت های دانش آموزان بر پایه اجرای سناریوها یا تشریح آن ها به آموزش بهتر مفاهیم پیچیده تر مانند حل مساله، همکاری و خالقیت کمک می کند. این موضوع موجب رضایت دانش آموزان و کسب مهارت اجرای مفاهیمی که یاد گرفته اند نیز می شود. این یکی از روش های قابل اجرا برای مشارکت دانش آموز مورد نظر در کلاس می باشد به این صورت که معلم می تواند قبل از شروع درس یک داستان تعریف کند و یا می تواند هنگام آموزش حروف الفبا مثال می خواهد حرف ب را آموزش بدهد برای این حرف یک داستان بسازد و این کار باعث تشویق دانش آموز به مشارکت در درس می شود.
۲. تشکیل گروه های یادگیری : ما انسان ها همگی موجوداتی اجتماعی هستیم. تشکیل یک گروه، یادگیری جمعی را فعال می کند. دانش آموزان بستری در اختیار خواهند داشت که در مورد مفاهیم درسی با هم بحث کنند، به سوالات یکدیگر پاسخ دهند و برای انجام تکالیف همفکری کنند. همچنین عضویت در گروه، مسئولیت پذیری دانش آموزان را بیشتر می کند. تشکیل گروه های یادگیری یکی دیگر از راه های افزایش مشارکت دانش آموز مورد نظر می باشد به اینصورت که معلم دانش آموزان را هنگام تدریس می تواند گروه بندی کند و دانش آموز مورد نظر را در یک گروه فعال قرار دهد و تشویق شود که دوستانش دارند نظر می دهند و در بحث مشارکت می کنند او هم تشویق به مشارکت در کلاس درس می شود.
۳. برعکس کردن نقش ها : این روش بسیار پرکاربرد و قابل اجرا برای دانش آموز مورد نظر می باشد به این صورت که معلم جای خود را به دانش آموز بدهد و بگذارد او نقش معلم را بازی کند اما معلم هم خودش مراقب او باشد و به او کمک کند این راه هم جزو بهترین راه ها می باشد.

۴. بازخورد سریع به سوالات و تکالیف دانش آموز: این روش، روش خوبی است اما در این کلاس قابلیت اجرای کمی دارد به خاطر اینکه تعداد دانش آموزان کلاس زیاد است. بازهم روش قابل اجرایی است چون شاید علت عدم مشارکت دانش آموز مورد نظر کمبود توجه است و اگر معلم به او توجه کند و سوالات و تکالیفش را سریعتر بازخورد دهد این مشکل تا حدودی رفع شود.

#### ۸- شواهد (۲) توصیف وضع مطلوب :

۱. مشاهده رفتار دانش آموز: بعد از گذشت سه یا چهار جلسه از اجرای روش هایی که در بالا اشاره شد با دانش آموز مورد نظر صحبت کردم و متوجه شدم که تشکیل گروه های یادگیری و گروه بندی شدن خیلی به او کمک کرده است چرا که راحت تر با من ارتباط برقرار می کرد و صحبت می کرد و همچنین در زنگ های تفریح برای خود دوست های خوبی پیدا کرده بود و با آن ها بازی می کرد. به طور کلی رفتار آن دانش آموز خیلی بهتر شده بود و از دانش آموز ساکت و دانش آموزی که در هیچ کاری مشارکت نمی کرد به یک دانش آموز فعال تر در تمام زمینه ها از جمله درسی، بازی کردن با دوستان تبدیل شده بود و من از این موضوع بسیار خوشحال بودم و هر دفعه او را می دیدم لبخند رضایت بر صورتش می نشست.

۲. مصاحبه با همکالسی های دانش آموز: زمانی که روش ها را اجرا کردم از همکالسی های دانش آموز سوال می کنم که آیا او با شما حرف می زند و در کارها مشارکت می کند؟ از هر کدام از همکالسی ها که می پرسیدم جواب بله می گرفتم.

#### ۹- نتیجه گیری :

زمانی که یک دانش آموز دچار عدم مشارکت است نباید او را کنار گذاشت و به او توجه نکرد بلکه توجه و رسیدگی به او باعث مشارکت او در مباحث می شود مثال بارز آن هم رفتار مدیر مدرسه با آن دانش آموز که باعث صحبت کردن او با مدیر و برقراری ارتباط خوب با مدیر مدرسه بود. اجرای راه حل هایی که در بالا گفته شد موهون تکرار و تداوم است و در صورتی که تکرار صورت نگیرد دانش آموز نسبت به روش های معلم دلسرد می شود و حس می کند که نسبت به او بی توجه شدیم و دوباره به حالت قبل بر می گردد و تمام تلاش های معلم و خود دانش آموز هدر می رود. بهترین روشی که نتیجه داد برای مشارکت دانش آموز در کلاس درس، روش تشکیل گروه های یادگیری بود و تا زمانی که در گروه ها شرکت می کرد بیشتر تشویق به مشارکت می شد. داشتن رفتار خوب در برخورد با دانش آموزی که مشکل عدم مشارکت دارد بسیار ضروری است چرا که من خودم این موضوع رو دیدم که زمانی که دانش آموز در سر کلاس بود و معلم به او توجهی نمی کرد او هم تمایلی به شرکت در مباحث کلاس نداشت اما در زنگ های تفریح که مدیر با خوش اخلاقی با او برخورد می کرد او هم با مدیر مدرسه صحبت می کرد و میخندید. و در آخر نتیجه می گیریم که مشارکت دانش آموز به عواملی از جمله: رفتار معلم، روش تدریس معلم، برقراری ارتباط خوب و مناسب با دانش آموز از سمت مدیر، معلم و همکالسی هایش، فعال بودن دانش آموز در کلاس درس، بحث و تبادل نظر معلم با دانش آموز، استفاده از کلاس درس معکوس و همچنین تغییر شیوه کلاس بستگی دارد.

#### ۱۰- پیشنهادات:

۱. زمانی که با دانش آموزی مانند دانش آموز مورد پژوهش برخورد می کنیم نباید به او بی اعتنایی کنیم و کاری به کار او نداشته باشیم بلکه باید بیشتر از بقیه دانش آموزان برای او وقت بگذاریم و با او همکاری و صحبت کنیم.
۲. روش هایی که برای این دانش آموز گفته شد شاید فقط بر روی این دانش آموز دیگری جواب ندهد پس نباید به همین روش ها اکتفا کرد و باید به دنبال روش های نو و جدید باشیم.
۳. داشتن رفتار خوب و صمیمی در برخورد با این دانش آموز و امثال این دانش آموز بسیار ضروری و حائز اهمیت است چرا که اگر رفتار خشک با او داشته باشیم وضع او را بدتر از اینی که هست می کنیم.
۴. سعی کنید برای حل مشکل عدم مشارکت حتما با افرادی که بیشتر در مدرسه با دانش آموز در ارتباط هستند کمک بگیرید.

منابع :

۱. بهمنی، مصطفی، جوادی پور، محمد، حکیم زاده، رضوان، صالحی، کیوان، علوی مقدم، سید بهنام، (۱۳۹۶)، مقاله بررسی میزان مشارکت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی با استفاده از روش آموزش معکوس.
۲. محمودی، فیروز، فتحی آذر، اسکندر، اسفندیاری، رجب، (۱۳۸۸)، مقاله بررسی میزان مشارکت فعال دانش آموزان در جریان تدریس با پیشرفت تحصیلی .
۳. قهوه چی، هانیه، (۱۴۰۰)، سایت آقای معلم.
۴. سایت OSTADI.ONLINE، (۲۰۲۱).

پیوست ها :